

دوتا ۳۳۳	بررسی کتاب مقدس / ۶۳
	رومیان ۸: ۱-۱۷
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، از رومیان ۸: ۱ - ۱۷ درس‌هایی را ارائه خواهند داد.

در رومیان فصلهای ۱ تا ۵، پولس به تشریح ماهیت عادل‌شمردگی پرداخت و آشکارا نشان داد که شریعت هیچگاه قادر نیست انسان را در نظر خدا عادل گرداند. پولس در رومیان ۶ تا ۷ به تشریح ماهیت تقدس و روند مقدس شدن پرداخت و نشان داد که شریعت نمی‌تواند انسان را مقدس سازد. او اکنون در فصل هشت رومیان به تشریح احساس امنیت و اطمینان نجاتی می‌پردازد که مسیحیان از آن برخوردارند.

(S) قدم اول. بخوانید

با هم رومیان ۸: ۱ - ۱۷ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به‌خاطر کمبود وقت، لطفاً رومیان ۸: ۱ - ۱۷ را بعداً بخوانید.

(T) قدم دوم. کشف کنید

برخی حقایق مهم را از رومیان ۸: ۱ - ۱۷ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۸: ۱ - ۴ است. "مسیحیان در امنیت بسر می‌برند، زیرا از قدرت سلطه‌جویانه طبیعت گناه‌آلود خود آزاد شده‌اند." یوحنا ۵: ۲۴ وعده می‌دهد که مسیحیان در روز داوری نهایی محکوم نخواهند شد، اما وعده در رومیان ۸: ۱ این است که مسیحیان به مجازات یا هلاکت ابدی داخل نخواهند شد (متی ۲۵: ۴۶). این از آن جهت است که خدا پیشاپیش طبیعت گناه‌آلود آنها، یعنی حس جانکاه تقصیر و قدرت سلطه‌جویانه آن را در طبیعت انسانی تضعیف شده عیسی محکوم ساخته و به مجازات رسانده است (۸: ۳). روح القدس مسیحیان را از قدرت مطلقه و سلطه‌جویانه طبیعت گناه‌آلودشان آزاد کرده است (۸: ۲). شریعت عبارت است از آنچه خدا بدون هیچ تخفیف برای نجات دادن انسان یا عادل شمردن او مطالبه می‌کند. شیوه زندگی‌ای است که خدا برحسب آنچه که در احکام اخلاقی خود یا در ده فرمان قید شده است، بدون هیچ تخفیف بر انسان مقرر داشته و از او مطالبه می‌کند. خدا آنچه را که بخاطر طبیعت گناه‌آلود انسان از طریق شریعت قادر به انجام آن نبود، در عیسی مسیح و از طریق نابود ساختن گناه و قدرت آن در بدن عیسی مسیح بر صلیب، به انجام رساند (اول پطرس ۲: ۲۴) (۸: ۳). بدین ترتیب، نه تنها عادل‌شمردگی، بلکه قدوسیّت انسان نیز امری ممکن و واقعی می‌شود. شریعت انسان را موظف می‌سازد که برای عادل شمرده شدن و مقدس گشتن، بطور صددرصد از خدا و از اراده او اطاعت کند، و در زندگی شخصی خود نیز صددرصد کامل باشد. اما هیچ یک از اینها بشر تابحال نتوانسته است چنین خواسته‌ای را برآورده سازد. اما عیسی مسیح این خواسته شریعت را بجای هر کس که به او ایمان آورد، برآورده ساخته است. نشانه این که کسی برآستی ایماندار واقعی است این است که چنین شخصی دیگر نه بر حسب طبیعت گناه‌آلود خود، بلکه مطابق روح القدس زندگی می‌کند. روح حیات، قدرت تازه‌ای است که بجای قدرت گناه در زندگی ایمانداران عمل می‌کند. اطاعت از مسیح و سپس روند مقدس شدن فرد ایماندار، با تولد تازه او آغاز می‌شود (اعمال ۵: ۳۲، اول پطرس ۱: ۲)، و تنها هنگامی که مسیحیان مسیح را رو در رو ملاقات می‌کنند به کمال می‌رسد (اول یوحنا ۳: ۱ - ۳). روح القدس کماکان به مقدس ساختن ایمانداران ادامه می‌دهد تا زمانی که آنان سرانجام از بدن‌های کنونی‌شان که جولان‌گاه طبیعت گناه‌آلود و مرگ است، آزاد شوند (۷: ۲۴ - ۲۵؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۴ - ۵۷) (۸: ۴).

(T) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۸: ۵ - ۱۳ است. "مسیحیان در امنیت بسر می‌برند، زیرا نجات آنها از طریق تولد تازه و قدوسیّت دلها و زندگی‌های‌شان به توسط روح القدس، از هم‌اکنون آغاز شده است."

مسیحیان از آنجا که از قدرت و نفوذ سلطه‌جویانه طبیعت گناه‌آلود خود آزاد شده‌اند، دیگر نه برحسب طبیعت گناه‌آلود خود، بلکه مطابق معیارهای روح القدس زندگی می‌کنند (غلاطیان ۵: ۱۶ - ۲۶). مسیحیان روح القدس را در خود دارند، تحت هدایت و راهنمایی روح القدس زندگی می‌کنند، و در نتیجه فکر روح القدس را نیز دارا می‌باشند. منظور از فکر روح القدس، شیوه تفکر یا اندیشه روح است. به عبارت دیگر، مسیحیان فکر و نگرش روح القدس را دارند. آنها به مسائل همانگونه می‌نگرند که روح القدس. همان اهداف و آمل و آرزوهایی را دارند که روح القدس دارد. مسیحیان افکار خود را بر امور روح معطوف می‌کنند؛ به عبارت دیگر، علائق و اهداف آنها پیوسته معطوف امور است که مورد تأیید و خواست روح القدس است و باعث جلال خداست. فکر روح به حیات منتهی می‌شود، و حیات همانا شناختن خدا و داشتن مشارکت با اوست (یوحنا ۱۷: ۳). فکر روح همچنین به آرامش و سلامتی منتهی می‌شود، که عبارت است از این اطمینان درونی که گناهان گذشته بخشیده شده و پیشامدهای بد، همگی به خیریت می‌انجامد (۸: ۲۸) و اینکه هیچ واقعه‌ای در آینده نمی‌تواند ما را از محبت خدا جدا سازد (۸: ۳۱ - ۳۹) (۸: ۵ - ۸).

غیر مسیحیان روح القدس را در خود ندارند؛ آنان پیوسته تحت سلطه طبیعت فاسد و گناه‌آلودشان زیست می‌کنند و اهداف و علائق خود را معطوف امور فانی و دنیوی می‌سازند. از لحاظ روحانی، اخلاقی و روانی محال است که غیر مسیحیان بتوانند خود را مطیع خدا و اراده او سازند، زیرا نحوه تفکر آنها و نگرش و جهان بینی که دارند کاملاً بر ضد خداست. آنان نمی‌خواهند و نمی‌توانند خود را مطیع خدا سازند. آنان نمی‌توانند خدا را خشنود سازند. این وضعیت به موت می‌انجامد که همان دوری از خدا است، و باعث می‌شود که آنان پیوسته با خدا دشمنی ورزیده، در برابر ناپاکی و ناعدالتی زندگی‌هایشان عاجز و ناتوان باشند و سرانجام در فلاکت ابدی گرفتار آیند (۸: ۵ - ۸). کسانی که روح القدس را ندارند، اسیر طبیعت گناه‌آلود خود هستند و تحت سلطه آن بسر می‌برند. چنین کسانی به هیچ وجه نمی‌توانند مسیحی باشند. اما کسانی که روح القدس را دارند، تحت اقتدار و حاکمیت او بسر می‌برند. چنین کسانی روح خدای زنده را در خود دارند و روح مسیح در آنها ساکن است. به عبارت دیگر، عیسی مسیح در وجود چنین کسانی زندگی می‌کند و آنان به او تعلق دارند (۸: ۹ - ۱۰).

مسیحیان با وجود قدرت مخرب طبیعت گناه‌آلود هنوز در بدن جسمانی مسیحیان فعال است و عمل می‌کند، از آنجا که روح القدس در آنها ساکن است با دیگران فرق دارند. از آنجا که طبیعت گناه‌آلود هنوز در بدن جسمانی مسیحیان فعال است و عمل می‌کند، این بدن محکوم به فساد است و سرانجام باید روزی بمیرد. اما از آنجا که مسیحیان محض ایمان عادل شمرده شده‌اند، روح انسانی آنان از هم‌اکنون زنده است و حیات را دارد زیرا روح القدس در آنها زندگی می‌کند (یوحنا ۳: ۳ - ۵). پیش‌شرط و مرحله اولیه نجات آنها این است که روح القدس در قلب و در زندگی آنها ساکن باشد. بعلاوه، این واقعیت که روح القدس در قلب و زندگی آنها ساکن است همچنین تضمین‌کننده آن است که بدن‌های فانی آنها دوباره قیام خواهد کرد و نجات‌شان صددرصد کامل خواهد شد (۸: ۱۰ - ۱۱).

به همین جهت، مسیحیان به خدا مدیون‌اند و تعهدی نسبت به او دارند. مسیحیان دیگر به طبیعت گناه‌آلود خود مدیون نیستند و مطابق خواسته‌های آن زندگی نمی‌کنند. اگر کسانی که خود را مسیحی می‌دانند کماکان بر حسب طبیعت گناه‌آلود خود زندگی کنند، بی‌تردید خواهند مرد. اما مسیحیان واقعی تحت حاکمیت روح القدس هستند و اعمال گناه‌آلود طبیعت نفسانی خود را که در قالب اعضای بدن‌شان عرض‌اندام می‌کنند، می‌کشند. مسیحیان واقعی می‌توانند چنین کنند، باید چنین کنند، و چنین نیز خواهند کرد. آنان پیوسته امیال، خواهش‌ها، اهداف و دیگر خصوصیات طبیعت گناه‌آلود خود را از طریق قدرت روح القدس که در وجود آنها ساکن است، می‌کشند. زیرا می‌توانند چنین کنند، باید چنین کنند، و چنین نیز خواهند کرد. (۸: ۱۲ - ۱۳).

(S) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۸: ۱۴ - ۱۷ است. "مسیحیان در امنیت بسر می‌برند، زیرا فرزندخواندگان خدا هستند و وارثان جلال او می‌باشند." مسیحیانی که بوسیله روح القدس هدایت می‌شوند، پسران خدای زنده هستند. آنان پیش از آنکه به مسیح ایمان بیاورند، روح بندگی داشتند یعنی روحی در آنها بود که در برده‌ها است. آنان از اربابان خود می‌ترسیدند، و از مجازات و طردشدگی وحشت داشتند. اما حال که به مسیح ایمان آورده‌اند، روح فرزندخواندگی (یا پسرخواندگی) در آنهاست یعنی روحی که آنان را از بردگی به فرزندان خانواده خدا تبدیل می‌کند. روح القدس بجای ترس، پیوسته در قلوب آنها محبت نسبت به خدا را ایجاد می‌کند و خصائص و ویژگی‌های فرزندان خدا را در آنها تولید می‌نماید. آنان از این پس مطمئن هستند که خدا کاملاً آنها را پذیرفته است، و بنابراین با خدا بعنوان پدر آسمانی خود ارتباطی شخصی و صمیمانه دارند. البته پدر بودن خدا را نباید با پدر بودن در مفهوم زمینی آن اشتباه گرفت، زیرا پدر بودن خدا جنبه کاملاً روحانی دارد. خدا از لحاظ روحانی به انسانها تولد تازه می‌بخشد و از لحاظ روحانی نیز با آنان ارتباط ایجاد می‌کند.

روح القدس همراه با روح انسانی مسیحیان پیوسته در وجود آنها گواهی می‌دهد که آنان برآستی از لحاظ روحانی فرزند خدا هستند و در دنیای کامل آینده با عیسی مسیح هم‌ارث می‌باشند. روح القدس از لحاظ ذهنی ایمانداران را از نجات‌شان مطمئن می‌سازد (۵: ۵؛ ۸: ۱۶)، و مکاشفه خدا در کتاب مقدس نیز بطور عینی چنین اطمینانی را به آنان می‌دهد (۱۶: ۲۵ - ۲۶). زحمات و سختی‌های کنونی مسیحیان در این دنیا، راهی اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن به این جلال آینده است.

(T) قدم سوم. سؤال

بیاپید تمام حقایق موجود در رومیان ۸: ۱ - ۴ را درک کنیم و سؤالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم، مطرح سازیم. "چه سؤالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سؤال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سؤالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیاپید. سؤال اول. (۸: ۱ - ۴) "آیا "محکومیت" در اینجا صرفاً به آزاد شدن از تقصیر گناه اشاره دارد، یا اینکه هم به آزاد شدن از تقصیر گناه اشاره دارد و هم به آزادی از قدرت گناه؟"

(S) آیه اول به رومیان ۶: ۱ تا ۷: ۲۵، و بویژه به رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ اشاره دارد. پولس هم آزادی از تقصیر گناه و قدرت گناه را مد نظر دارد و هم آزادی از محکومیت یا مجازات را. او چنین نتیجه می‌گیرد که بدون قدوسیّت نمی‌توان در نظر خدا عادل محسوب شد. منظور از محکومیت، اجرای حکمی است که صادر شده است. "محکومیت" در اینجا به معنای اعلام داوری بر تقصیر و گناه نیست، بلکه به اجرای حکم داوری بر قدرت گناه از طریق نابود کردن قدرت گناه، اشاره دارد. همین واژه "محکومیت" در سایر قسمت‌های کتاب مقدس (نظیر رومیان ۵: ۱۸، اول قرنتیان ۱۱: ۳۲، دوم پطرس ۲: ۶) در معنای محکومیت یا مجازات دنیای خدانشناس و گنهکار بکار رفته است. این محکومیت پیشاپیش اعلام شده و اجرای آن از هم‌اکنون آغاز گشته است. این هلاکت و نابودی سرانجام با بازگشت مسیح به کمال خواهد رسید. این امر، پیروزی غائی مسیحیان بر دنیای گناه‌آلود و مردم خدانشناس را حتمی می‌سازد. به همین ترتیب، در رومیان ۸: ۱ نیز می‌خوانیم که برای کسی که در

عیسی مسیح است دیگر هیچ محکومیتی نیست. چنین کسی به هلاکت ابدی افکنده نمی‌شود. اما قدرت طبیعت فاسد یا گناه‌آلود در شخص ایماندار، یکبار برای همیشه نابود شده است. نابودی این قدرت از هم‌اکنون آغاز گشته است. این نابودی به هنگام بازگشت مسیح تکمیل خواهد شد، و بدن‌های خاکی مسیحیان نیز در همان زمان دوباره برخواهند خاست. این امر، "قدوسیت مسیحیان" در حال حاضر، یعنی "تمایل و توانایی آنان را برای داشتن زندگی‌ای جدید و مقدس"، امری قطعی و حتمی می‌سازد. سؤال دوم. (۸: ۱ - ۴) "منظور از "قانون روح" و "قانون گناه و مرگ" چیست؟"

(T) یک دو قانون متضاد در فرد مسیحی. بر اساس رومیان ۷: ۲۱، ۲۳، و ۲۵، بهترین تفسیر برای لغت "قانون"، "قدرت حاکم"، یا "اصل مطلق حاکم" است. "قانون روح" بدین معناست که روح‌القدس اصل مطلق حاکم در مسیحیان است. به همین ترتیب، "قانون گناه و مرگ" نیز بدین معناست که طبیعت گناه‌آلود، اصل حاکم مطلق در غیرمسیحیان است، و در طبیعت کهنه مسیحیان نیز هنوز اصل یا نیرویی قدرتمند بشمار می‌رود. طبیعت گناه‌آلود، قانون گناه و مرگ خوانده شده است، زیرا نیروی حاکم در پس تمام گناهان بشری و هر چیزی است که به موت منتهی می‌شود. در غیرمسیحیان تنها یک نیروی حاکم وجود دارد که همان طبیعت گناه‌آلود آنهاست، و همه نوع میوه مرگ را سبب می‌شود (غلاطیان ۵: ۱۹ - ۲۱). بی‌ایمانان چاره‌ای جز اطاعت از خواسته‌های این طبیعت گناه‌آلود ندارند. اما در مسیحیان، دو نیروی متضاد در کار است: یکی قانون گناه و مرگ یا همان طبیعت گناه‌آلود آنان، و دیگری قانون روح حیات که خود روح‌القدس است. طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی هنوز در وجود او قدرتی ویرانگر (۷: ۱۴ - ۲۵) و قدرت مخوفی است که با روح حیات، ضدیت می‌ورزد (غلاطیان ۵: ۱۷). اما این طبیعت گناه‌آلود در واقع از هم‌اکنون قدرتی شکست‌خورده و موقتی است و تنها مادام که فرد مسیحی در قید بدن خاکی است او را عذاب می‌دهد (اول قرنتیان ۱۵: ۵۴ - ۵۷).

دو مسیحیان باید زندگی جدید و مقدسی داشته باشند، می‌توانند چنین زندگی داشته باشند، و چنین زندگی‌ای نیز خواهند داشت. رومیان ۸: ۳ - ۴ نیز همچون رومیان ۶: ۷، به مبنای قانونی قدوسیت می‌پردازد. قدرت طبیعت گناه‌آلود یکبار و برای همیشه بواسطه کار نجاتی که مسیح برای ما انجام داد، محکوم به نابودی شده است. اجرای این حکم نابودی، بواسطه کار روح‌القدس که در مسیحیان ساکن است از هم‌اکنون آغاز گشته است. اگر فرد مسیحی دارای تولد تازه می‌توانست بطور کامل از روح‌القدس اطاعت کند و چنین نیز می‌کرد، در آنصورت از قدرت و آلودگی گناه نیز بطور کامل آزاد می‌شد. اما از آنجا که تمام مسیحیان تا زمان مرگ جسمانی خود با طبیعت گناه‌آلودشان دست به گریبانند، هیچ شخص مسیحی در دنیا نیست که بتواند بطور کامل از قدرت و آلودگی گناه آزاد شود. مسیحیان تنها پس از مرگ جسمانی‌شان است که می‌توانند بطور کامل و از هر لحاظ از قدرت، آلودگی، و حتی از حضور گناه آزاد شوند. بااینحال از آنجا که مسیح با مرگ خود، مسیحیان را از قدرت مطلق گناه رها نید (۶: ۲ و ۷)، و از آنجا که روح‌القدس این واقعیت را بر زندگی آنان اعمال می‌کند (۸: ۲)، فرد مسیحی می‌تواند و باید بر طبق روح رفتار کند و نه دیگر بر طبق طبیعت گناه‌آلود خود (نفس)، و چنین نیز خواهد کرد (۸: ۴). ممکن است فرد مسیحی همیشه بر گناه پیروز نباشد، اما مطمئناً همیشه نیز مغلوب گناه نخواهد بود. فرد مسیحی می‌تواند و باید همواره اعمال گناه‌آلود بدن را بکنند، و چنین نیز خواهد کرد (۸: ۱۳). او می‌تواند و باید به آنچه از روح است بیاندیشد، و چنین نیز خواهد کرد (۸: ۵). سؤال سوم. (۸: ۱۲ - ۱۴) "در رومیان ۸: ۱۳، پولس می‌گوید: "زیرا اگر بر طبق نفس یا طبیعت گناه‌آلود زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر بواسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست." آیا منظور این است که مسیحیان ممکن است امنیت ابدی خود را از دست بدهند، یا اینکه درخواستی است از مسیحیان برای اینکه مسئولانه زیست کنند؟"

(S) پولس در این آیات از مسیحیان می‌خواهد که طبیعت گناه‌آلود خود را نابود کنند. مسیحیان افرادی مدیونند. آنان مسئولیت بسیار مهمی بر دوش دارند که همانا این است که نه برحسب طبیعت گناه‌آلود خود، بلکه بر طبق روح‌القدسی که در آنها ساکن است زیست نمایند. مسیحیان به هیچ وجه نباید طبیعت گناه‌آلود خود را تحمل کنند. آنان نباید درصدد تغییر دادن طبیعت گناه‌آلودشان باشند، بلکه باید اعمال شرارت‌آمیز طبیعت گناه‌آلود خود را بکشند. این اعمال شرارت‌آمیز، از طریق بدن‌های جسمانی‌شان مجال ظهور می‌یابد. بنابراین مسیحیان باید پیوسته هر نوع گناه را که خود را از طریق ابزار بدن نمایان می‌سازد، نابود کنند و ریشه‌کن نمایند (۶: ۱۳ و ۱۹). مسیحیان، آنگاه که برحسب روح‌القدس زیست کنند، می‌توانند چنین کنند و چنین نیز خواهند کرد. به عبارت دیگر، وقتی مسیحیان اجازه می‌دهند که عیسی مسیح از طریق روح خود در آنها و از طریق آنها زندگی کند، مسیح تمام این گناهان را از زندگی آنان خواهد زدود و محو و نابود خواهد کرد. پولس با گفتن این سخنان، امنیت ابدی مسیحیان را زیر سؤال نمی‌برد، بلکه صرفاً بر این نکته تأکید می‌ورزد که مسیحیان تنها زمانی می‌توانند از لحاظ ذهنی درمورد نجات ابدی خود خاطر جمع باشند که برحسب روح‌القدس زیست نمایند. کسی که مطابق طبیعت گناه‌آلود خود زندگی می‌کند، به هیچ وجه نمی‌تواند از نجات ابدی خود خاطر جمع باشد، و هرگز نیز چنین اطمینانی نخواهد داشت. سؤال چهارم. (۸: ۱۴ - ۱۶) "چه چیزی به مسیحیان این اطمینان را می‌دهد که فرزندان خدا هستند؟"

(T) دو چیز به مسیحیان این اطمینان را می‌دهد که برآستی فرزندان خدا هستند: یک احساس محبتی که مسیحیان نسبت به خدا دارند ثابت می‌کند که برآستی فرزند خدا هستند. قبل از آنکه کسی به مسیح ایمان آورد، روح بردگی یا بندگی را دارد. روح بندگی، روحی است که در برده‌ها وجود دارد. روح ترس است از اینکه مبادا اربابان‌شان در آینده آنان را مجازات کنند، و مبادا از سوی جامعه طرد شوند. اما وقتی کسی به مسیح

ایمان می‌آورد، روح القدس را می‌یابد که روح فرزندخواندگی است. روح فرزندخواندگی روحی است که در فرزندان خانه وجود دارد. روح محبت نسبت به خداست؛ روح ارتباطی شخصی و صمیمانه با خدا بعنوان پدر آسمانی است، و درکی است عمیق از این واقعیت که خدا آنان را بعنوان فرزند خود پذیرفته است. روح القدس در ایمانداران احساس محبت نسبت به خدا را ایجاد می‌کند، و این اطمینان را به آنها می‌دهد که برآستی جزو خانواده خدا هستند و از ویژگی‌های فرزندان خدا برخوردارند (افسیان ۱: ۵ و ۱۴).

دو. شهادت روح القدس در قلب مسیحیان ثابت می‌کند که برآستی فرزند خدا هستند. خود روح القدس به همراه روح انسانی مسیحیان پیوسته گواهی می‌دهد که آنان برآستی فرزندان خدا هستند. روح القدس پیوسته در درون مسیحیان، یا در وجدان دارای تولد تازه آنان و در قلب و ذهن‌شان تأیید می‌کند که آنان برآستی فرزندان خدا هستند. روح القدس پیوسته وعده‌های خدا در کتاب مقدس را به مسیحیان یادآوری می‌کند، و این اطمینان عمیق را در وجود آنها قرار می‌دهد که خدا آنان را بعنوان فرزندان خود دوست دارد (۸: ۳۹). سؤال پنجم. (۸: ۱۷) "مسیحیان از چه لحاظ با مسیح "هم‌ارث" هستند؟"

(S) در چهارچوب نقشه ازلی خدا، مسیحیان باید اول با مسیح رنج و زحمت ببینند تا بعد بتوانند با او هم‌ارث نیز بشوند. مسیحیان نمی‌توانند در جلال مسیح شریک شوند مگر آنکه نخست در زحمات او شریک گردند. در کتاب مقدس رنج‌های مسیحیان، رنج‌های خود مسیح خوانده شده است (کولسیان ۱: ۲۴)؛ البته این رنج در مفهوم درد و رنج نجات‌بخشی که مسیح بخاطر گناهان ما بر صلیب متحمل شد نیست.

یک. مسیحیان در رنج و زحمات و محنت‌های این دنیا که عیسی بعنوان "مرد غم‌ها" هنگامی که بر روی این زمین بود متحمل آن شد، شریک‌اند. مسیحیان نیز در تمام ضعف‌ها، بیماری‌ها، ناتوانی‌ها، ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و جنگ، نتایج جرم و جنایت و گناهانی که سایرین مرتکب می‌شوند، شرایط سخت و دشوار، روابط از هم گسیخته، بیکاری، فقر، نومیدی و غیره که در این دنیا وجود دارد، سهم هستند. به عبارت دیگر، مسیحیان در رنج و زحمات دنیای سقوط کرده و لجام‌گسیخته‌ای که مسیح نیز در آن متولد شد، شریک‌اند.

دو. مسیحیان در رنج و زحمت و جفاهایی که متوجه مسیح و ایمان مسیحی است نیز شریک‌اند. مسیحیان بخاطر نام مسیح و پیروی از تعالیم او، جفا می‌بینند (مرقس ۸: ۳۳ - ۳۸). هدف خدا از اینکه اجازه می‌دهد مسیحیان دچار زحمت شوند این نیست که عدالت خود را در مورد آنان اجرا کند، بلکه خدا می‌خواهد شخصیت مسیحیان از طریق فشارها و سختی‌ها ساخته شود تا آنان بتوانند برای سهم شدن در جلال مسیح آماده باشند. میراث پر جلال مسیح چیزی نیست جز همان آسمان و زمین جدید.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۸ آیات ۱۸ تا ۳۹، آماده کنید.

دوم. کتاب‌های دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.